

آگوستوس

« اولین امپراتور روم »

آدریان گلدنر و ش

ترجمه:

دکتر محمد ملکی

انتشارات شفیعی

۱۴۰۳

سرشناسه	گلدزورثی، آدریان کیت، ۱۹۶۹-م.
عنوان و نام پدیدآور	AUGUSTUS First Emperor of Rome New Haven آگوستوس + اولین امپراتور روم + ترجمه محمد ملکی + ویراستار زهرا ملکی.
مشخصات نشر	تهران: انتشارات شفیعی، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری	۶۹۲ص.
شابک	978-622-5926-26-4
وضعیت فهرست نویسی	فیا
پادداشت	AUGUSTUS first emperor of rome, 2014: عنوان اصلی:
موضوع	امپراتوران -- روم -- سرگذشتنامه Emperors -- Rome -- Biography
موضوع	روم -- تاریخ -- آگوستوس، ۳۰ ق.م - ۱۴-م. Rome -- History -- Augustus, 30 B.C.- 14 A.D
شناسه افزوده	ملکی، محمد، ۱۳۵۸ - مترجم
رده بندی کنگره	۲۷۹DG
رده بندی دیویی	۱۲۷.۹۲۳
شماره کتابشناسی ملی	۹۶۳۰۹۱۷
اطلاعات رگورد کتابشناسی	فیا

www.ketab.ir

آگوستوس (اولین امپراتور روم)

آدریان گلدزورثی
ترجمه: دکتر محمد ملکی
ویراستار: زهرا ملکی
نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۳
چاپ و صحافی: نقشینه
شمارگان: ۱۰۰ نسخه
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۹۲۶-۲۶-۴
حق چاپ و نشر برای انتشارات شفیعی محفوظ است.

انتشارات شفیعی: تهران، میدان انقلاب، خیابان منیری جاوید، ساختمان اردیبهشت، شماره ۶۵.
طبقه همکف، تلفن: ۶۶۴۹۴۶۵۴

فهرست مطالب

۷.....	دیباچه مترجم
۹.....	سیاسگزاری‌ها
۱۱.....	نقشه‌ها
۱۳.....	مقدمه
۳۱.....	بخش اول: کایوس اکتاویوس (تورینوس) ۶۳ تا ۴۴ قبل از میلاد
۳۳.....	۱ «پدر کشورشم»
۵۰.....	۲ «مردی با ثروت و شهرت»
۶۹.....	۳ کنسولگری یولیوس و کایوس
۸۹.....	۴ یک راه خروج
	بخش دوم کایوس یولیوس سزار (اکتاویوس) ۴۴ تا ۳۸ قبل از
۱۱۱.....	میلاد
۱۱۳.....	۵ وارث
۱۳۲.....	۶ تمجید
۱۵۳.....	۷ پاداش و دور انداختن
۱۶۹.....	۸ انتقام و اختلاف
۱۹۵.....	بخش سوم امپراتور سزار، پسر یک خدا ۳۸ تا ۲۷ قبل از میلاد
۱۹۷.....	۹ پسر خدا
۲۲۱.....	۱۰ رقبا
۲۵۱.....	۱۱ جشن پیروزی
	بخش چهارم امپراتور سزار آگوستوس، دیوی فیلیوس ۲۷ تا ۲ قبل
۲۷۵.....	از میلاد

۲۷۷	تجدید و بازسازی
۳۰۴	۱۳ غلبه کردن بر مغرور در جنگ
۳۵۵	۱۴ «لقب بزرگ‌ترین قدرت»
۳۸۵	۱۵ عقاب‌ها
۴۱۴	۱۶ یک پایان و یک آغاز
۴۴۵	۱۷ خانواده و همکاران
۴۷۱	۱۸ صلح آگوستن
	بخش پنجم امپراتور سزار آگوستوس، پسر خدا، پدر کشور ۲ قبل
۴۹۷	از میلاد تا ۱۴ پس از میلاد
۴۹۹	۱۹ پدر
۵۲۹	۲۰ «پست نگهبانی»
۵۵۸	۲۱ به خاطر رس
۵۸۳	۲۲ پاکس آگوستا
۶۱۳	نتیجه به آرامی عجله کن
۶۲۹	پیوست یک حرفه سناتوری یا کورسوس
۶۳۳	پیوست دو تاریخ ولادت حضرت عیسی
۶۴۱	واژه‌نامه
۶۵۱	شخصیت‌های کلیدی
۶۶۱	شجره خانواده
۶۶۷	کتاب‌شناسی
۶۷۹	اختصارات استفاده شده در یادداشت‌ها
۶۸۱	نمایه

دیباچه مترجم

کتاب آگوستوس اولین امپراتور روم، اثر ارزشمند مورخ پرکار آدریان گلدزورثی است که در این بیوگرافی، دانش عمیق خود را از منابع باستانی به طور کامل مورد استفاده قرار می‌دهد و وقایع زندگی طولانی آگوستوس را با جزئیات بیشتری بازگو می‌کند. این کتاب داستان دراماتیک آگوستوس، اولین امپراتور روم است، که در نوزده سالگی وارد جنگ قدرت رم شد و تمام رقبا را از سر راه برداشت و سیاستی در پیش گرفت که منجر به تأسیس امپراتوری روم شد.

داستان سزار آگوستوس یکی از جذاب‌ترین داستان‌های تاریخ غرب، مملو از درام و تناقض، فساد و خطر و موفقیت غیرمنتظره است. آگوستوس، که در دوران جوانی خود وادار به سیاست بسیار خشونت‌آمیز رم کرده بود، به طرز ماهرانه‌ای در طول سال‌های جوانی، به عنوان وارث یولیوس سزار به قتل رسیده، از رقبای بسیار با تجربه‌تری مانند آنتونی و بروتوس پیشی گرفت و دوام آورد. این اثر با بازخوانی حوادث دوران آگوستوس، سقوط جمهوری روم و آغاز دوران جدیدی را در تاریخ روم نوید می‌دهد، که بی‌شبهات به دوران قبل از خود نیست؛ با این تفاوت که بیشتر به سیستم امپراتوری شبیه است تا حکومت جمهوری. نویسنده در این کتاب، دانش زیادی از منابع اولیه ارائه می‌دهد و افزون بر تشریح زندگی سزار آگوستوس، اطلاعات مفیدی پیرامون حوادث تاریخ روم، به‌ویژه در مورد جنگ‌های داخلی ارائه می‌دهد.

این کتاب، منبع بسیار ارزشمندی برای زندگی و کارنامه سیاسی، نظامی سزار آگوستوس است که نویسنده با استناد به منابع دست‌اول و تحلیل و بکارگیری آخرین دستاوردهای نوین در این رابطه نوشته است. من در ترجمه

این کتاب، باز بیش از همه مرهون زحمات و مشقات همسر عزیزم در ویراستاری این اثر هستم و از دخترم آوا، هم‌نفس روزهای سخت زندگی، که با اشتیاق وصف‌ناپذیری به من در این امر مهم یاری می‌رساند بسیار ممنون و سپاسگزارم و از ناشر محترم، که زمینه انتشار این اثر را به مانند سایر آثار از بنده حقیر فراهم نمودند، تشکر می‌کنم. در پایان مثل همیشه شهادت می‌دهم که تمامی لحظه لحظه عمرم را به چشمان معصوم دخترم بدهکارم و حاضرم در برابر نگاهش، تمامی گنجینه با ارزشی را که دارم برای غارت چشمانش آزاد بگذارم، تا برای همیشه‌ی تاریخ، همه بدانند که من کیش و مات چشمان معصومش شده‌ام.

محمد ملکی

اصفهان

بهمن‌ماه ۱۴۰۲ خورشیدی

www.ketab.ir

مقدمه

«و در آن روزها چنین شد که فرمانی از سوی قیصر آگوستوس صادر گردید که از تمام جهان مالیات گرفته شود. (و این مالیات برای اولین بار در زمانی که کورنیوس فرماندار سوریه بود انجام شد.) و همه به شهر خود رفتند تا مالیات بگیرند.» انجیل به روایت لوقا، اواخر قرن یکم بعد از میلاد.¹

اولین باری که نام آگوستوس را شنیده‌ام مربوط به اشاره کوتاهی در ماجرای کریستوس بود. اگر چه با چنین خاطرات اولیه‌ای دقیق نیستم، به این دلیل است که در این متن و سال اندکی داشتم. مانند بسیاری از افرادی که این کلمات را می‌شنیدند و خوانند، من شک دارم که بیشتر به آن‌ها فکر کرده باشم و تنها بعدها بود که به تاریخ بیشتر شد و شیفتگی خاصی نسبت به همه چیز در مورد روم پدیدارم. شما نمی‌توانید تاریخ روم را بدون آشنایی با آگوستوس و میراثش مطالعه کنید. او اولین امپراتور بود، مردی که سرانجام جمهوری را، که تقریباً نیم هزاره دوام آورده بود، با سلطنت جایگزین کرد. سیستمی که او ایجاد کرد به امپراتوری حدود ۲۵۰ سال ثبات بخشید، در حالی که این امپراتوری هم بزرگ‌تر و هم مرفه‌تر از هر زمان دیگری بود. در قرن سوم پس از میلاد، با دهه‌ها بحران مواجه شد و تنها پس از اصلاحات گسترده دوام آورد، اما با این وجود امپراتوران «رومی» که تا قرن پانزدهم از قسطنطنیه حکومت می‌کردند، خود را جانشین برحق قدرت و اقتدار آگوستوس می‌دانستند.

داستان او در عین حال که به شدت دراماتیک است، بدون شک مهم است. وقتی در مورد آگوستوس به دانشجویان آموزش می‌دادم، همیشه به

1. Luke 2: 1-3.

آن‌ها یادآوری می‌کردم که او هنوز نوزده سال تمام نداشت که خود را وارد سیاست بسیار خشونت‌آمیز رم کرد - بنابراین، تقریباً همیشه جوان‌تر از همه افراد آن طبقه بود. هنگام بازگو کردن کارهایی که او انجام داد و ماهرانه و آسوده‌خاطر راه خود را در وفاداری‌های پیچیده این سال‌های جنگ داخلی مانور داد، اغلب به سختی می‌توان این را به خاطر آورد. او به عنوان نوه‌ی خواهر یولیوس سزار مقتول، در وصیت‌نامه سزار به عنوان وارث اصلی شناخته شد و چون سزار او را به عنوان فرزندخوانده خود پذیرفته بود، در نتیجه نام سزار را از آن خود کرد. قرار نبود قدرت در رم موروثی باشد، اما با مسلح شدن به این نام، حامیان دیکتاتور مرده را گرد هم آورد و قصد خود را برای تصدی تمام مناصب و موقعیت پدرش اعلام کرد. او سپس، بر خلاف همه شانس‌ها و مخالفت رقبای بسیار با تجربه‌تر، دقیقاً به آن دست یافت. مارک آنتونی، آخرین آن‌ها بود و تا ۳۰ قبل از میلاد شکست خورد و مُرد. آن جوان، جنگ‌سالار خونین جنگ‌های داخلی، پس از آن توانست به عنوان نگهبان محبوب دولت، یولیوس سزار را با طیف‌های مذهبی آن برای خود برگزیند و در نهایت به او لقب «پدرش» را دادند. او به مدت چهل و چهار سال قدرت عالی را در دست داشت. مدت بسیار طولانی برای هر پادشاهی - و هنگامی که در سنین پیری درگذشت هیچ‌کس وجود نداشت که جانشین منتخبش از او پیروی کند.

با وجود این، سزار آگوستوس، علی‌رغم داستان چشمگیر و تأثیر عمیقش بر تاریخ امپراتوری، که فرهنگ جهان غرب را شکل داده، در نوشتار کمتر به او پرداخته شده است. او برای اکثر مردم، نامی است که در مراسم کریسمس یا نمایشنامه‌های جشن تولد مدرسه ذکر می‌شود و چیزی بیشتر از آن نیست. به سختی کسی فکر می‌کند که ماه جولای به نام یولیوس سزار نامگذاری شده است، اما من گمان می‌کنم که حتی کمتر کسی می‌داند که آگوست به نام آگوستوس نامگذاری شده است. یولیوس سزار مشهور است، آنتونی و کلئوپاترا، نرون، اسکندر مقدونی، هانیبال، شاید هادریان، و تعدادی از فیلسوفان نیز مشهور هستند - اما آگوستوس اینطور نیست. یکی از دلایل، این است که شکسپیر هرگز نمایشنامه‌ای درباره او نوشت، شاید به این دلیل

که در مردی که تا سنین پیری زندگی می‌کند و در رختخواب خود می‌میرد، تراژدی طبیعی کمی وجود دارد. او در نقش اکتاویوس در یولیوس سزار و در نقش سزار در آنتونی و کلئوپاترا ظاهر می‌شود، اما در هیچ یک از این نمایشنامه‌ها شخصیتش بر خلاف بروتوس، آنتونی - یا حتی بازیگران کوچک‌تری مانند انوباربوس، جذابیت خاصی ندارد. سرنوشتش اساساً این است که به عنوان زرورق ضعیف، حتی بزدل، اما سرد و فریبده، برای آنتونی عمل کند، جایی که دومی شجاع، به شدت فیزیکی، ساده و پرشور است. این تضاد، قبلاً در منابع باستانی وجود داشت و ریشه در جنگ تبلیغاتی در آن زمان داشت. فقط در برخوردهای مدرن داستان حتی بیشتر به چشم می‌خورد - به عنوان مثال به اجرای سرد یخبندان با فقط نکاتی از سادیسم که توسط رودی مک داوال در فیلم حماسی معروف کلئوپاترا در سال ۱۹۶۳ ارائه شد، فکر کنید.

چنین آگوستوسی مخاطباتی، حيله‌گر و كاملاً بی‌رحم، مخاطب را به همدردی با آنتونی و کلئوپاترا تشويق می‌کند و در نتیجه مرگ آن‌ها را غم‌انگیزتر می‌نماید، زیرا در نهایت این داستان‌ها درباره آن‌هاست. هیچ نمایشنامه، فیلم یا رمانی که آگوستوس را در حال خود دارد، هرگز تخیل عمومی را جذب نکرده است. در رمان رابرت گریور، *آگوستوس و یولیوس* - و فیلم اقتباسی فوق‌العاده بی‌بی‌سی که اکنون حداقل به همین اندازه شناخته شده است - او بار دیگر در میان بازیگران مکمل برجسته نیست. این رفتار، بسیار دلسوزانه‌تر است و او نقش متفاوتی را به عنوان پیرمردی ساده، احساسی - و فقط گاهی تهدیدآمیز - ایفا می‌کند که توسط لیویا، همسر قاتل و دستکاری‌گر او مانور می‌گیرد. چنین داستان‌هایی درگیر و سرگرم‌کننده هستند، اما به خودی خود درک درستی از چرایی اهمیت آگوستوس ندارند و

۱. مینی سریال اخیر (2006-2007) HBO Rome به اکتاویوس جوان شخصیتی دلسوزتر داد، اگرچه وقتی بازیگر دیگری نقش نسخه قدیمی‌تر را بر عهده گرفت، سردتر و حسابگرتر شد. سادیسم او نیز بیش از یک اشاره بود، به عنوان زمانی که او به عروس جدیدش لیویا می‌گوید که باعث می‌شود هنگام عشق ورزیدن به او صدمه بزنند.

اتصال این تمهیدکننده جوان به امپراتور پیر و اغلب فریبنده را دشوار می‌سازد.

زندگی آگوستوس، بسیار بیشتر از این است و این داستان بزرگ‌تر، از یک‌نواختی به دور است. یکی از خطرات بزرگ این است که موفقیت او را اجتناب‌ناپذیر فرض کنیم، چه بر اساس نبوغ او در سیاست یا - و این یک دیدگاه قدیمی‌تر است - روندهای گسترده‌تری که ایجاد سلطنت در رم را کمی پیش از یک مسئله زمانه می‌سازد. طول عمر آگوستوس و موفقیتش نیز، به ویژه در سال‌های اولیه، همه را شگفت‌زده کرد. اغلب اوقات قمارباز آشکارتر از برنامه‌ریز دقیق است. آگوستوس به ویژه در طول جنگ‌های داخلی خطراتی را پذیرفت و همه این خطرات نتیجه نداد. یولیوس سزار، بیشتر از آن چیزی بود که گاهی قدردانی می‌شود، به ویژه در توانایی برای رهایی از خراش‌هایی که خودش ایجاد کرده بود. همچنین هیچ مدرک واقعی از برنامه‌ای طولانی مدت برای ایجاد رژیم جدیدش وجود ندارد؛ در عوض، تصویری از باده‌گویی را می‌بینیم. سیستم را با آزمون و خطا و رویدادهای تصادفی، که تقریباً به اندازه طرح، نقش دارند، ایجاد می‌کند. تصویر دستکاری‌کننده یخی، نیز به سرعت نابود می‌شود، زیرا ما به مردی نگاه می‌کنیم که تلاش می‌کرد و اغلب شکست می‌خورد تا احساسات و خلق و خوی داغ خود را مهار کند. این آگوستوس است که یولیوس متاهل و باردار رابطه داشت، شوهرش را مجبور به طلاق کرد و پس از چند روز بعد از زایمان، مرد ریاست عروسی آن‌ها را به عهده گرفت. این ایزودی است که ممکن است انتظار بیشتری از آنتونی یا شاید حتی بیشتر از نرون، نوه مارک آنتونی و خواهر آگوستوس، داشته باشید.

در کنار این اشتیاق، وحشیگری خوبی نیز به وجود آمد. آگوستوس، آنتونی و متحد سه‌گانه‌شان لپیدوس همگی، معروف است که در طول ممنوعیت‌ها و در موارد بسیار دیگر، در قتل‌های دسته‌جمعی، مقصر بودند. اینکه جنگ‌سالاران دیگر این دوران، به ندرت رفتار بهتری از خود نشان می‌دهند، آن‌ها را از چنین ظلمی مبرا نمی‌کند. اغلب دوست داشتن آگوستوس جوان، به‌رغم میانه‌روی در زندگی بعدی، دشوار است، و تلاش

برای آشتی دادن دو مرد ظاهراً متفاوت، بیشتر زندگی نامه‌نویسان مدرن را دچار مشکل کرده است. اغلب راه حل این است که زندگی او را به دو قسمت تقسیم کند. خیزش اولیه او تا پیروزی در اکتیوم، به آسانی خود را به روایتی می‌بخشد، آنچنان که مملو از نبردها و دسیسه‌ها و شخصیت‌های معروفی مانند سیسرو، بروتوس، سکستوس پمپه و کلئوپاترا است. سپس بسیاری از زندگی نامه‌نویسان به سال‌های آخر عمر او می‌پردازند و به دسیسه‌های ادعایی پیرامون انتخاب جانشینان او روی می‌آورند - و تصادفی نیست که این دو داستان متمایز، مضامین انتخاب شده توسط شکسپیر و گریوز را منعکس می‌کنند. نویسندگان دیگر، به‌ویژه نویسندگانی از دنیای دانشگاهی، معمولاً روایت خود را در ۳۰ قبل از میلاد به پایان می‌رسانند و تا پایان عمرش موضوعات گسترده‌تری را مورد بحث قرار می‌دهند - برای مثال «آگوستوس» و «مجلس سنا»، «آگوستوس و استان‌ها»، «آگوستوس و دین»^۱.

زندگی نامه، علی‌رغم جذابیت بی‌شمار به دلیل - جذابیت بسیار زیاد آن برای عموم خوانندگان، قهرمانان جهانی در جهان آکادمیک دارد. من زندگی نامه یولیوس سزار نوشتم زیرا هیچ یک از کتاب‌های اخیر درباره او کاملاً راضی‌کننده نبودند - یا فاقد جزئیات بودند یا فاقد جنبه از زندگی او را پوشش می‌دادند. هر کدام به حریفه سیاسی یا نظامی‌اش نگاه کردند، اما هرگز به هر دو نگاه نکردند - تمایزی که رومیان را گیج می‌کرد. در حین کار روی آن کتاب بود که می‌دانستم یک روز فرصت دارم تا کتابی در مقیاس مشابه درباره آگوستوس بنویسم، زیرا هنوز کسی کتابی را که شایسته اوست ننوشته است. تلقی‌های خوبی از جنبه‌های زندگی او وجود دارد، برخی مروره‌های کوتاه عالی، اما هیچ چیزی وجود ندارد که با جزئیات واقعی به تمام زندگی او بپردازد. ضعف بزرگ رویکرد مربوط به موضوع، این است که مرد تمایل دارد در بحث درباره سیاست، ایده‌ها یا تصورات به کار رفته توسط رژیم منحرف شود. به آسانی، به اندازه جهش از آگوستوس جوان به

1. Shakespeare, *Julius Caesar*, 4, I, 1.

سالخورده، از هم گسسته می‌شود، که هر گونه حس واقعی را از تبدیل یکی به دیگری از دست می‌دهد. مانند سزار: زندگی یک کلوسوس، هدف این است که به گونه‌ای بنویسیم که گویی این زندگی‌نامه یک دولتمرد مدرن است، حتی اگر منابع ما پاسخ به آن‌ها را دشوار می‌کنند، همین سؤال‌ها را بپرسند و تا جایی که ممکن است برای درک آن مرد واقعی تلاش کنیم.^۱

تغییر چهره یک امپراتور

با این حال، شناسایی آگوستوس واقعی بسیار سخت است، به ویژه به این دلیل که او در طول زندگی خود بسیار مراقب بود تا خود را آنقدر تغییر دهد که کاملاً جدید به نظر رسد. در اواسط قرن چهارم پس از میلاد، امپراتور یولیان - که خود اخیراً پس از چندین سال به عنوان سزار کوچک در نظام امپراتوری آن سال‌ها به زور عنوان عالی آگوستوس را به دست آورده بود - طنزی نوشت که در آن مصافی را تصور می‌کرد که در آن خدایان از امپراتوران خدایی رم استقبال می‌کنند. آگوستوس آنجاست، اما به عنوان یک شخصیت عجیب و غیرطبیعی به تصویر کشیده می‌شود که مدام رنگش را تغییر می‌دهد تا مانند آفتاب‌پرست با محیط خودش ترکیب شود. تنها زمانی که فلسفه به او دستور می‌دهد به فرمانروایی خود بخردمند تبدیل می‌شود.^۲

آگوستوس، از وجهه عمومی خود آگاه بود، اما همه سیاستمداران رومی در هر فرصتی، شایستگی‌ها و دستاوردهای خود و خانواده‌هایشان را تبلیغ می‌کردند. مارک آنتونی هنوز به عنوان یک ژنرال باتجربه و توانا شهرت دارد

۱. در میان مطالعات کوتاه اخیر آگوستوس و دوران او، بهترین‌ها عبارتند از:

D. Shotter, *Augustus Caesar* (2nd edn, 1991), W. Eck, *The Age of Augustus* (2003), K. Galinsky, *Augustus. Introduction to the Life of an Emperor* (2012), J. Richardson, *Augustan Rome 44 BC to AD 14. The Restoration of the Republic and the Establishment of the Empire* (2012); of popular accounts, R. Holland, *Augustus. Godfather of Europe* (2004) focuses mainly on the years up to Actium, while A. Everitt, *Augustus: The Life of Rome's First Emperor* (2006) is drawn to this era and the later struggle for succession.

۲. Julian, *Caesars* 309 B-C; for brief discussion see K. Galinsky, *Augustan Culture* (1996), p. 373.

که بیش از تجربه نظامی و توانایی‌های واقعی، به تبلیغات خودش مربوط می‌شود. تفاوت بزرگ با آگوستوس این بود که زمان زیادی برای توسعه و انتشار پیام خود داشت و همچنین منابع بسیار بیشتری نسبت به دیگران در اختیار داشت. بیش از هر انسان دیگری از دنیای باستان، تصاویری از آگوستوس باقی مانده است. به خصوص بعد از آکتیوم، دیدن گذشته از این نما و درک مرد واقعی حتی سخت‌تر است. با این حال، ما داستان‌های زیادی در مورد زندگی و عادت‌های خانگی او داریم، حکایت‌های زیادی در مورد حوادث روزمره و حتی مجموعه‌ای از جوک‌هایی که توسط او یا به خرج او گفته شده است. مطالبی از این دست در مورد آگوستوس بسیار بیشتر از یولیوس سزار یا تقریباً هر شخصیت مهم دیگری در تاریخ روم وجود دارد. با این حال، باید مراقب باشیم، زیرا چنین لحظات ظاهراً «طبیعی» نیز فرصت‌هایی برای ایجاد زندگی عمومی در رم به شدت نمایشی بود. سیاستمداران رومی بخشی از خود را در ملاء عام می‌گذراندند، و به ویژه آگوستوس می‌خواست در روم خصوصی و همچنین هنگام انجام وظایف رسمی خود، به عنوان الگوی رفتار مناسب ظاهر شود. هیچ چیز درباره او کاملاً ساده نبود.

شاید مجبور شویم با این مشکل اساسی شروع کنیم که او را چه بنامیم، زیرا توجه داشته باشیم که حتی شکسپیر در هر نمایشنامه از نام متفاوتی استفاده می‌کند. کایوس اکتاوئوس به دنیا آمد، زمانی که وارث یولیوس سزار شد نام او را برگزید و کایوس یولیوس سزار شد. او می‌توانست اکتاوئانوس را به عنوان یادآوری خانواده واقعی - نسبتاً مبهم - به این اضافه کند، اما عمداً این کار را نکرد و فقط دشمنان، او را اکتاوئانوس صدا کردند. با گذشت سال‌ها، او نام خود را تغییر داد و نام کوچک کایوس را کنار گذاشت و آن را با امپراتور بسیار نامتعارف - ژنرال پیروز یا فرمانده کل جایگزین کرد. پس از خدایی شدن یولیوس سزار، او پسر یولیوس خدایی شد و سرانجام در ۲۷ قبل از میلاد نام آگوستوس با رأی سنا و مردم رم به او اعطا گردید، بدون شک با دقت آماده بود تا بداند که این امر او را خوشحال می‌کند.

بنابراین، ما مردی داریم با سه نام کاملاً متمایز در مراحل مختلف زندگی‌اش، و حتی با این نام‌ها نیز، کمی تفاوت در شکل و جزئیات دارد. قرارداد مدرن این است که او را تا سال ۲۷ قبل از میلاد اکتاوین می‌نامند و پس از آن او را آگوستوس می‌نامند و از نام سزار به طور کلی اجتناب می‌کنند و به همراه آن خطر اشتباه گرفتن با یولیوس سزار وجود دارد. در حالی که به وضوح، این عمیقاً گمراه‌کننده است و به تقویت تقسیم کاذب بین تریومویرات خون‌آلود و دولتمرد و حاکم برجسته کمک می‌کند. نام‌ها در دنیای روم اهمیت زیادی داشتند - و اخیراً نیز باد مهم به حساب آیند، زیرا ما فقط باید به عمر طولانی سزار یا قیصر یا تزار به عنوان یک عنوان قدرت فکر کنیم. مارک آنتونی، آگوستوس جوان را «پسری که همه چیز را مدیون نامگذاری است» لقب داد، دقیقاً به این دلیل که سزار نامیدن به نوجوان اهمیتی می‌داد که آن غیر این صورت نمی‌توانست داشته باشد. به همین دلیل بود که آگوستوس هوگو با اکتاوین نامید، و اگر او را به جای سزار اینگونه بنامیم، درک وقایع این سالها بسیار دشوارتر می‌کند. مهم است که بدانیم او در هر مرحله از زندگی، خود را به آن نامیده است، بنابراین در فصل‌های بعدی من همیشه به این ترتیب به او اشاره خواهم کرد و کتاب را به بخش‌هایی بر اساس آن تنظیم کرده‌ام. دیکتاتور، همیشه به عنوان یولیوس سزار نامیده می‌شود و اگر در متن از سزار نام برده شود، به آگوستوس اشاره می‌کند.

این تنها نام او نیست که مشکل‌ساز است. ایمپراتور واژه لاتینی است که کلمه امپراتور را از آن گرفته‌ایم، اما در زمان آگوستوس این معنی را نداشت. او خود را پرنیپس می‌نامید که به معنای شهروند «نخستین» یا «پیشرو» است، و این گونه بود که رومیان دیگر از او یاد می‌کردند. اگر او را امپراتور بنامیم، مفهومی متفاوت به رژیمش تحمیل می‌کنیم، مفهومی که بر اساس گذشته‌نگری و آگاهی از این که روم برای قرن‌های آینده سلطنتی خواهد بود، شکل می‌گیرد. بنابراین، خارج از مقدمه و نتیجه، هرگز از او به عنوان امپراتور یاد نمی‌کنم، اگرچه گاهی از این اصطلاح برای جانشینان او استفاده کرده‌ام. به همین ترتیب، من به رژیمی که او ایجاد کرد نه به عنوان امپراتوری - از

آنجایی که جمهوری یک امپراتوری خارج از کشور نیز داشت - به عنوان اصلی اشاره می‌کنم، اصطلاحی که برای محققان آشناست اما به ندرت در خارج از جهان آکادمیک استفاده می‌شود.

کلمه دشوار دیگری که ریشه لاتین دارد، دقیقاً این جمهوری است که از رس پوبلیکا، «چیز عمومی» یا «مشرک المنافع» آمده است. رومیان به این شکل به دولت خود اشاره کردند، اما تعریف نهادی مشخصی از اصطلاح «جمهوری» ما نداشت. اجتناب از آن بسیار مفید است - در غیر این صورت چگونه می‌توانیم به راحتی از سیستم سیاسی که برای مدت طولانی بر روم حکومت می‌کرد تا زمانی که در قرن یکم قبل از میلاد فروپاشید صحبت کنیم؟ با این حال، من سعی کرده‌ام از تمایل مدرن به نام بردن مخالفان یولیوس سزار و تریوم‌ویرات به عنوان جمهوری‌خواهان اجتناب کنم، زیرا این امر یک انسداد کاذب را بر آنچه در حقیقت گروه‌های متفاوت با طیف گسترده‌ای از نگرش‌ها دنبال بودند، تحمیل می‌کند. این اصطلاح، همچنین مشروعیتی می‌بخشد که بسیاری لیاقت آن را ندارند - به همان شکلی که استفاده از نام اکتاوینا، به ملک آنتونی پیروزی پس از مرگ می‌بخشد. (در جستجوی دقت محدودیت‌ها، من از جولای و آگوست حتی قبل از معرفی این نام‌ها استفاده کرده‌ام زیرا تعداد کمی از خوانندگان با ماه‌های کونینکتلیس و سکستیلیس آشنا هستند.)

در سرتاسر بحث، تلاش خواهم کرد مستقل باشم، که ممکن است گفتن آن هنگام صحبت از درگیری‌ها و اختلافات دو هزار ساله، عجیب به نظر برسد، اما تاریخ به راحتی احساسات را برمی‌انگیزد و حتی هوشیارترین و جدی‌ترین دانشوران نیز از این موضوع در امان نیستند. یولیوس سزار، اغلب مورد تحسین اغراق‌آمیز و نفرت تندی قرار گرفته است و همین امر در مورد آگوستوس نیز صادق است. در طول قرن نوزدهم و پس از آن، او به دلیل درمان بیماری یک جمهوری شکسته، به رومیان صلح، ثبات و رفاه به عنوان یک پادشاه خیرخواه به طور گسترده مورد تحسین قرار گرفت. در دورانی که پادشاهان و امپراتوری‌ها هنوز بر اروپا و بسیاری از جهان تسلط داشتند، چنین درکی به آسانی به دست آمد. این، در طول قرن بیستم، با تشنج جهان و

ناپدید شدن یقینات قدیمی تغییر کرد: تأثیرگذارترین برخورد با آگوستوس، با کتاب سر رونالد سایم به نام انقلاب روم بود که برای اولین بار درست قبل از جنگ جهانی دوم منتشر شد. عمداً در تمایل خود برای عدم تصور اینکه ظهور آگوستوس چیز خوبی فرض می‌شد، تحریک‌آمیز بود و با به کارگیری نوآورانه زمینه در حال توسعه پرسوپوگرافی - مطالعه خانواده‌ها و روابط میان اشراف - این دوران را به عنوان ظهور رهبر و جناح او نشان می‌دهد که جای نخبان قدیمی را گرفته است. پشت همه این‌ها، شبیح دیکتاتورهای معاصر وجود داشت - بیشتر از همه، موسولینی، که خود را به تقلید آگاهانه از دوکس آگوستوس، ایل دوسه می‌داد، و حامیانش را فاشیست می‌خواند، به عنوان نماد فاشیسم، دسته‌ای از میله‌هایی که تبر را احاطه کرده‌اند و قدرت یک قاضی رومی را نشان می‌دهد. امروزه، خواننده کتاب احتمالاً به ظهور ناسیونال سوسیالیسم، مشوم‌تر آلمان یا کنترل تمامیت‌خواه استالین فکر می‌کند.^۱

دنیای مدرن، نسبت به دیکتاتورهای با هر رنگ سیاسی که باشد، بسیار مشکوک شده و کمتر مایل به تصور مایل به غرور و مرگبار ظهور آگوستوس، که با صلحی که در نهایت ایجاد کرد، توجیه شده است. با این حال، ما باید مراقب باشیم که گذشته را با سایه‌های ساده رنگ‌آمیزی نکنیم. به طور خودکار فرض نکنیم که همه دیکتاتورهای یا همه امپراتوری‌ها، یا در واقع همه دولت‌ها اساساً شبیه هم هستند. آگوستوس، افراد زیادی را به قتل رساند، اما چیزی شبیه بذبختی هیتلر یا استالین به جهان تحمیل نکرد و مانند همیشه باید رفتار او را در چارچوب زمانه ببینیم. در تمایل خود برای کشتن دشمنان، او بهتر یا بدتر از سایر فرماندهان جنگ در آن زمان نبود. یولیوس سزار، متفاوت بود و بروتوس، کاسیوس و چند مرد دیگر را، که بعداً او را با چاقو

۱. برای بررسی مفید نگرش مورخان به آگوستوس رجوع کنید به

Z. Yavetz, 'The *Res Gestae* and Augustus' public image', in F. Millar & E. Segal (eds), *Caesar Augustus*. *Seven Aspects* (1990), pp. 1-36, esp. pp. 22-6, and also J. Edmondson (ed.) *Augustus* (2009), pp. 14-26.

کشتند، عفو کرده بود - نکته‌ای که آگوستوس، آنتونی و لپیدوس زمانی که لیست مرگ دشمنان خود را منتشر کردند، به آن اشاره نمودند.

این که مثل هیتلر بد نباشیم به ندرت یک تایید زنگ‌دار است، در حالی که گفتن اینکه کسی بدتر از رقبای خود نیست، فقط کمی بهتر است. اما آگاهی از اینکه یک رهبر موفق دارای نقص است نباید باعث شود که ما نسبت به شکست‌های رقبای او کور باشیم. سایم، آنقدر محقق خوبی بود که نمی‌توانست طعمه این موضوع شود، اگرچه او در قضاوت‌هایش درباره آنتونی بسیار خیرخواه بود و در اظهارنظرهایش در مورد حامیان آگوستوس، به‌ویژه اکثریتی که خارج از اشراف مستقر آمده بودند، عمداً تندخو بود. او همچنین می‌دانست که ارتباطات خانوادگی در میان نخبگان رم پیچیده است و به خودی خود بیعت‌هایی را که ممکن است به سرعت تغییر کند یا به بسیاری از مطامع دیگر بستگی داشته باشد، دیکته نمی‌کند. انقلاب روم، اگرچه سه ربع قرن بعد از او رخ داد، - همراه با مجموعه گسترده‌تر آثار سایم و تأثیر او بر دیگران - همچنان یکی از بسیاری از بحث‌ها در مورد آگوستوس و سن او را، به‌ویژه در زمینه مطالعات و دنیای انگلیسی‌زبان، مشخص می‌کند. رویکردهای جدید و تغییرات تأکیدی زیادی وجود داشته، اما در مجموع به موضوعات یا جزئیات خاصی توجه نکرده است. هیچ مطالعه فراگیر دیگری در مورد آن دوره وجود نداشته که به این اندازه تأثیر داشته باشد، و بنابراین از بسیاری جهات دوران - همانطور که من آن را به عنوان یک دانشجو مطالعه کردم و بعداً آن را به عنوان یک سخنران تدریس نمودم - همچنان بر اساس ادراکات اواسط قرن بیستم شکل گرفته است.

ساختار اجتناب‌ناپذیر در تدریس رسمی، همیشه خطر تحریف گذشته را به همراه دارد. دوره‌های آموزشی مربوط به جمهوری متاخر، معمولاً با یولیوس سزار به پایان می‌رسد. عصر آگوستا معمولاً با آکتیوم شروع می‌شود و یا جدا نگه داشته می‌شود یا در مطالعه اصلی قرار می‌گیرد، در حالی که سال‌های تریوم‌ویرات از ۴۴ تا ۳۱ قبل از میلاد توجه کمی به خود جلب می‌کنند - به تقویت تمایز بین اکتاویان و آگوستوس کمک می‌کند. به ندرت آگوستوس و حرفه‌اش به عنوان ادامه جمهوری در نظر گرفته می‌شود و در

عوض توجه به تفاوت‌های ظاهری می‌افتد. آگوستوس، نمی‌دانست که او در حال ایجاد یک سیستم جدید است که برای قرن‌ها دوام می‌آورد، و مطالعه آن به این روش، تغییرات بین جمهوری و حکومت را، که قطعاً در آن زمان بسیار کمتر آشکار بود، مبالغه می‌کند. همچنین استفاده مدرن از اصطلاحاتی مانند جمهوری و جمهوری خواهی را تغذیه می‌کند و می‌تواند به تصویر یک اپوزیسیون سناتوری گسترش یابد که ادعا می‌شود آگوستوس را مجبور می‌کند واقعیت قدرت خود را در پشت نمای جمهوری خواه پنهان کند.

نگرش به یولیوس سزار، نیز درک ما را از جانشینش شکل می‌دهد. دیکتاتور، به این دلیل به قتل رسید که دارای قدرت دائمی عالی بود، در حالی که آگوستوس این قدرت را به دست آورد و تا پیری زنده ماند. بنابراین، منطق طبیعی برای اکثر محققین، این است که آگوستوس باید به شیوه‌ای اساساً متفاوت با پدر خود رفتار می‌کرد و قدرت خود را در جایی که پدر به‌طور آشکار از آن بهره‌مند شده بود پنهان می‌کرد. این فرض اساسی عدم تمایل به نامیدن آگوستوس به نام سزار را در روایت‌های مدرن تقویت می‌کند. همانطور که خواهیم دید، بسیاری از محققان از سایم پیروی می‌کنند و این را بسیار فراتر می‌برند و ادعا می‌کنند که آگوستوس بسیار عمداً از یولیوس سزار، مردی - بر خلاف یولیوس خدایی - رومی که آنتونی را شکست داد و صاحب دولت شد، فاصله گرفت.

این ایده راحت است، در یک نگاه به نظر می‌رسد سرنوشت متفاوت‌شان را توضیح می‌دهد، و بارها و بارها تکرار می‌شود و باعث تأسف است که هیچ مدرکی برای تأیید آن وجود ندارد. در وهله اول، مقایسه ناقص است، زیرا ناگزیر به موقعیت‌های یولیوس سزار در پایان ۴۵ قبل از میلاد و آگوستوس پس از آکتیوم کشیده می‌شود. به نظر می‌رسد هیچ‌کس متوجه نمی‌شود که اولی فقط پیروزی خود را در یک جنگ داخلی سخت به پایان رساند و در طول پنج سال آخر زندگی خود زمان بسیار کمی را در رم گذراند. با وجود تمام انرژی‌اش، محدودیت‌هایی برای آنچه یولیوس سزار می‌توانست در طول چنین دوره کوتاه و غالباً قطع‌شده برتری به دست آورد،

وجود داشت. در مقابل، زمانی که او آنتونی را شکست داد، آگوستوس بیش از یک دهه قدرت نامحدودی را به عنوان تریومویر در اختیار داشت - و بیشتر آن زمان در رم و ایتالیا بدون هیچ یک از همکارانش بود. شروع پس از آکتیوم، این سال‌های طولانی را نادیده می‌گیرد که کنترل خود را با ترکیبی از زور و پیشرفت مردان وفادار به او تثبیت کرد. آن سال‌ها نیز به شدت صف خانواده‌های اشرافی قدیمی را کاهش داده بود، و شکست بروتوس و کاسیوس به سختی الهام‌بخش دیگران برای پیروی از آن‌ها نبود. بنابراین، این فرض، که چون یولیوس سزار با مقاومت هسته سخت عقاید سناتوری سنتی روبرو شد - و نتوانست آن را آرام کند - پس آگوستوس باید با مخالفت‌های مشابهی روبرو شده و بر آن غلبه کرده باشد، بی‌اساس است. موقعیت آن‌ها، از جهات بسیار، متفاوت بود. واقعاً هیچ مدرک قانع‌کننده‌ای برای مخالفت سناتوری با آگوستوس، که مورد علاقه بسیاری از محققان مدرن است، وجود ندارد. در این روش‌گامیان، وفاداری بسیار عمیق‌تری به نظام جمهوری‌خواه نشان داده‌اند که سزار و سزار آگوستوس نشان. یک نگاه دقیق‌تر تفاوت بسیار کمتری را بین یولیوس سزار و سزار آگوستوس نشان می‌دهد.

ارزش آن را دارد که از نسل‌های انباشته بحث‌های علمی در تلاش برای بازگویی داستان آگوستوس عقب‌نشینی کنیم. این یک تاریخ زمان نیست، بلکه یک زندگی‌نامه است و بنابراین، اگرچه رویدادهای گسترده‌تری در نظر گرفته می‌شود، اما توجه ما معطوف به خود آگوستوس است. مهم است که بدانیم او در هر مرحله از زندگی‌اش کجا بود و در صورت امکان چه می‌کرد. چیزی که این موضوع نشان می‌دهد مدت زمانی است که او در ایتالیا یا استان‌ها سفر می‌نمود، کاری که تعداد کمی از جانشینانش، تا زمانی که هادریان در قرن دوم پس از میلاد انجام می‌دادند، انتخاب می‌کردند. همچنین بار کاری سنگینی را که او حتی در دوران پیری داشت، روشن می‌کند. حرفه‌اش بیش از اصلاحات و قوانین ساده استوار بود و بر توجه به جزئیات و رفتار روزمره تکیه داشت که به راحتی می‌توان در بررسی‌های سریع درباره آنچه انجام داد و به دست آورد از بین رفت. تغییراتی که رخ داد،

چه نهادی، اجتماعی، اقتصادی، یا دگرگونی فیزیکی خود رم و امپراتوری وسیع‌تر، اهمیت واقعی خود را در صورتی می‌یابد که سرعت وقوع آن‌ها را درک کنیم.

این کتاب، طولانی است، اما به راحتی می‌توانست دو یا سه برابر اندازه این باشد. من سعی کردم بررسی اجمالی از تأثیر آگوستوس بر ایتالیا و امپراتوری گسترده‌تر را ارائه دهم تا صرفاً به سرنوشت خانواده‌های اشرافی در رم نگاه نکنیم، بلکه فضا از گنجاندن جزئیات بیشتر جلوگیری می‌کند. می‌توان کتاب‌های کاملی در مورد این موضوع و بسیاری از موضوعات دیگر نوشت. در خلاصه کردن آن‌ه‌نید ویرژیل در چند صفحه، و به سختی فرصت صحبت درباره اُوید و برخی دیگر از شاعران، چیزی عمیقاً ناامیدکننده است. یکی از لذت‌های بزرگ نوشتن این کتاب، فرصت بازخوانی شعر و دیگر ادبیات این دوران بوده است. من تمام تلاش‌م را کرده‌ام تا بدون از دست دادن شخصیت مرکزی آگوستوس، طعمی به چنین چیزهایی بدهم، زیرا این کتاب درباره اوست. برای کسانی که علاقه‌شان توسط مرد و زمانه‌اش برانگیخته شده است، نکات پایانی کتاب، تناسی طولانی وجود دارد که به ادبیات واقعاً گسترده در مورد این موضوعات هدایت می‌پیدا می‌کند.

گفتن داستان: منابع زندگی آگوستوس

تنها بخش کوچکی از ادبیات، اسناد رسمی و مکاتبات خصوصی از دنیای روم تا به امروز باقی مانده است. این زمانی قبل از چاپخانه‌ها بود، زمانی که همه چیز باید با دست نسخه‌برداری می‌شد - که جدای از پرزحمت بودن و در نتیجه گران بودن، خطر ایجاد تعداد فزاینده‌ای از خطاها را نیز در پی داشت. بسیاری از چیزها از بین رفتند زیرا کسی نبود که برای تهیه نسخه‌های کافی مشکلی نداشته باشد. با فروپاشی امپراتوری روم و تغییر به دنیایی که در آن سواد بسیار کمتر رایج بود و ثروت کمتری برای ترویج نسخه‌برداری از کتاب‌ها وجود داشت، بسیار ناپدید شد. در قرون وسطی، کلیسا برخی از متون باستانی را حفظ کرد، اما در انتخاب خود گزینشی بود و سپس این

گزينش‌ها متحمل خسارات قابل‌توجه ديگري به دليل آتش‌سوزي، تصادف و غفلت شدند. اين هميشه بدان معني است كه چيزهاي زيادي در مورد جهان باستان وجود دارد كه نمي‌توانيم بدانيم و در هر مرحله بايد احتمال منابع جزئي و اغلب متناقض را متعادل كنيم.

كامل‌ترين روايت‌هاي اين سال‌ها مدت‌ها پس از اين اتفاقات نوشته شد. آبيان، كه جنگ‌هاي داخلي او تا شكست سكستوس پمپه در ۳۶ قبل از ميلاد ادامه داشت، در اوایل قرن دوم پس از ميلاد نوشت. ديو كه تاريخش كل دوره را با جزئيات كامل در بر مي‌گيرد و تنها با چند قطعه مفقود براي زندگي آگوستوس، كه در اوایل قرن سوم نوشته شده، زنده مانده است. هر دو مرد يوناني بودند - اگرچه ديو همچنين يك سناتور رومي و قاضي ارشد بود - و به زبان خودشان مي‌نوشتند، كه گاهي اطمينان از اصطلاحات لاتيني را كه ترجمه مي‌شد دشوار مي‌كند. هر دو در زماني نوشته‌اند كه حكومت به‌طور محكمي تثبيت شده بود و حكومت امپراتورها قابل‌توجه نبود و تمايل دارند نگرش‌هاي زمان خود را به دوره‌هاي پيشين منتقل كنند. وليوس پاتركولوس حرفه عمومي خود را زير نظر آگوستوس آغاز كرد و روايت کوتاه او اين مزيت را دارد كه بسيار نزديك‌تر به زمان نوشته شده است، اما همچنين از تحسين مصمم او از امپراتور تيبريوس رنج مي‌برد. اين‌ها كامل‌ترين گزارش‌هاي روايي ما هستند و همه چيز را پوشش نمي‌دهند و گاهي لازم است از نظرسنجي‌هاي بعدي نويسندگانمانند فلوروس و اوروسيوس، به‌ويژه براي رويداهاي استان‌ها و مرزها، استفاده كنيم. اگرچه بهتر از هيچ، چنين منابعي بايد با احتياط بسيار مورد استفاده قرار گيرند. ليوي مورخ معاصر آگوستوس بود، اما كتاب‌هاي مربوط به گزارشش، كه تا ۹ قبل از ميلاد برمي‌گردد، تنها در خلاصه‌هاي بسيار مختصري كه در تاريخ بسيار ديرتر گردآوري شده‌اند، باقي مانده‌اند.

نامه‌ها و سخنراني‌هاي سيسرو، تا زمان اعدامش به دستور آگوستوس، آنتوني و ليپيدوس در سال ۴۳ قبل از ميلاد، توصيفات فوري و بسيار جزئي - اگر آشكارا به شدت جناحي - در اختيار ما قرار مي‌دهد. اين‌ها براي گنجاندن نامه‌هايي كه ديگران به او نوشته‌اند و همچنين شايعات اغلب

بی‌اساسی که در این زمان‌های ناامیدکننده منتشر می‌شدند و می‌توانستند به اندازه حقیقت بر اعمال کسی تأثیر بگذارند، جذاب‌تر هستند. متأسفانه، ما فقط برخی از آثار سیسرو را داریم و آثار دیگری را می‌شناسیم، از جمله مکاتبات بیشتری بین سخنور و آگوستوس، که در دسترس نویسندگان باستانی بود، اما از آن زمان گم شده‌اند.

زندگی‌نامه خود آگوستوس سال‌های منتهی به ۲۵ قبل از میلاد را پوشش می‌دهد، اما هنوز باقی‌نمانده است، اگرچه برخی از اطلاعات آن در زندگی‌نامه کوتاه نوشته نیکلاوس دمشقی معاصر حفظ شده است. ما اعمال آگوستوس خدایی (رس جستای) را داریم، متنی که در سال‌های آخر زندگی او تهیه شد و پس از مرگش در خارج از مقبره‌اش تنظیم گردید - و در جای دیگری کپی شد. این عمدتاً دستاوردها و افتخارات را فهرست می‌کند و بنابراین به ما می‌گوید که او چه چیزی می‌خواست رکورد رسمی حرفه‌اش باشد. کامل‌تر و بسیار شگفتی‌تر، شرح حال سوتونیوس است که در پایان قرن یکم و آغاز قرن دوم پس از میلاد نوشته شده است. به وضوح از طیف وسیعی از منابع، برخی از آن‌ها عمیقاً خصمانه با او و به احتمال زیاد در جنگ‌های پروپاگاندایی در سال‌های ۴۴ تا ۳۰ قبل از میلاد نشأت گرفته شده است، این اطلاعات انبوهی را ارائه می‌دهد. عمده‌ترین آن‌ها، به خصوص نوشته شده به اعضای خانواده که برخی از آن‌ها در زندگی‌نامه تیبریوس و کلودیوس نیز آمده است، به خصوص جالب‌توجه است. ناامیدکننده‌تر، نبود تاریخ ثابت یا سایر نقاط مرجع برای بسیاری از حوادث است.

منابع دیگر، قطعاتی از مطالب مشابه را ارائه می‌دهند. برخی از آثار پلوتارک در زندگی بروتوس، سیسرو و مارک آنتونی و در جاهای دیگر آثار گسترده‌تر او وجود دارند که تاریخ مشابهی با سوتونیوس و آپیان دارند. تاکیتوس معاصر آن‌ها و از سناتورهای ارشد رومی بود، اما در آثار تاریخی خود به آگوستوس توجهی نکرد و فقط به طور غیرمستقیم اطلاعاتی را درباره او می‌رساند. سنکای بزرگ‌تر و جوان‌تر، که کمی زودتر در قرن یکم پروپاگاندا فعال بودند، جزئیات جالبی را نیز ارائه می‌دهند. ماکروبیوس، نویسنده پروپاگاندایی اوایل قرن پنجم، بسیار دیرتر، اما به وضوح با تکیه بر

منابع قبلی، مجموعه‌ای از جوک‌های مربوط به آگوستوس را ارائه می‌دهد که قبلاً ذکر شد. در همه این آثار ما معمولاً نمی‌توانیم بدانیم نویسندگان اطلاعات خود را از کجا پیدا کرده‌اند و این امر تأیید آن را غیرممکن می‌کند. با این حال، شاید مهم‌ترین ویژگی این است که حکایات شخصی زیادی در مورد آگوستوس وجود دارد که به ما می‌گوید که مردم چگونه درباره او فکر می‌کردند و چگونه او به نوبه خود می‌خواست دیده شود.^۱

کتیبه‌ها، چه بر روی سنگ حک شده باشند و چه شعارهای روی سکه‌ها، همچنین بیانیه‌های بسیار عمدی از آن زمان را ارائه می‌دهند، همانطور که تصاویر و مجسمه‌ها حامل پیام‌های آگاهانه هستند. بسیاری از آن‌ها این مزیت را دارند که بسیار فوری هستند، به ویژه زمانی که قرار ملاقات واضح و بنابراین ممکن است اولویت‌های کوتاه‌مدت و همچنین پیام‌های گسترده‌تر را منعکس کنند. خفاری ساختمان‌ها و سایر سازه‌ها نیز می‌تواند اولویت‌های متغیر را آشکار کند. در اینجا احتیاط بیشتری لازم است زیرا بقایای آشکار شده توسط حفاری‌ها تفسیر دقیق دارند و به ندرت آنقدر کامل یا کاملاً درک می‌شوند که این تفسیر را کاملاً قطعی کند. زمینه به معنای یک معامله خوب با همه این شواهد فیزیکی است. ما تقریباً هرگز آنطور که ما می‌خواهیم واضح نیست و کاوش‌های قدیمی اغلب به دقت و پیچیدگی کمتری نسبت به موارد اخیر انجام می‌شدند. به خصوص در مورد آثار هنری و معماری، ذهنی ماندن برای ما دشوار است و حتی بیشتر برای نخواندن کم یا زیاد به جزئیات کوچک‌تر تلاش کنیم. واقعاً رومی‌ها با توجه به عکس‌ها و شعارها برای پولی که استفاده می‌کردند چقدر زمان صرف می‌کردند؟ با این حال، برخلاف منابع ادبی، کار در حال انجام همچنان به تقویت شواهد فیزیکی مربوط به دوران آگوستوس ادامه می‌دهد و به درک ما از دنیای او کمک زیادی می‌کند.

۱. برای بحث در مورد برخی از منابع اصلی، نگاه کنید به

F. Millar, *A Study of Cassius Dio* (1964), A. Wallace-Hadrill, *Suetonius* (2nd edn, 1995), C. Pelling, *Plutarch and History* (2002), C. Smith & A. Powell (eds), *The Lost Memoirs of Augustus and the Development of Roman Autobiography* (2009), R. Syme, *Tacitus* (2 vols, 1958), and R. Mellor, *Tacitus* (1993).

درک آگوستوس، آسان نیست و باید مراقب هر نوع شواهدی بود. همچنین بسیار مهم است که در مورد محدودیت‌های منابع صحبت کنیم. برخی چیزها وجود دارد که ما به سادگی نمی‌توانیم آن‌ها را بدانیم و احتمالاً هرگز نخواهیم دانست. موارد بسیار بیشتری وجود دارد که ما باید حدس بزنیم و باز هم باید در مورد اساس چنین حدس‌هایی باز باشیم. ما هرگز نباید تظاهر به یقین کنیم در جایی که هیچ امکانی وجود ندارد. حقیقت مطلق گریزان است، شاید غیرممکن، اما این بدان معنا نیست که ما نباید تمام تلاش خود را برای نزدیک شدن به آن تا جایی که می‌توانیم انجام دهیم. ما می‌توانیم در مورد آگوستوس چیزهای زیادی بگوییم و می‌توانیم همه انواع مختلف شواهد را در حین تلاش برای درک این مرد و دنیای او به کار ببریم.